



نشر

ایتالو کالوینو

شوالیہ ناموجود

ترجمہ پرویز شہدی

- جہان نو -

در آن دورها شارلمانی پیدایش شد! سوار بر اسبی بود که از اندازه طبیعی بزرگ تر به نظر می رسید، ریشش روی سینه اش پهن شده و دست هایش را روی قلتاق زین گذاشته بود. او کارش یا حکمرانی و جنگیدن بود و یا جنگیدن و حکمرانی، نه وقفه ای در کارش بود و نه استراحتی: از آخرین باری که سربازانش او را دیده بودند، کمی پیرتر شده بود.

مقابل هراصیل زاده ای که می رسید، اسبش را متوقف می کرد تا سراپای او را برانداز کند.

- خب، بینم، شما کی هستید، اصیل زاده دلاور فرانسوی؟

اصیل زاده ای که مورد پرسش قرار می گرفت، به صدای بلند جواب می داد: "سالومون دو بروتانی^۱ اعلیحضرتا"، بعد نقاب کلاهخودش^۲ را بالا می زد و چهره^۳ گر گرفته اش را نمایان می ساخت. سپس تعداد افراد زیر دست، تجهیزات و سوابق نظامی اش را برمی شمرد: "پنج هزار سوار، سه هزار و پانصد نفر پیاده، هزار و هشتصد نفر خدمه، پنج سال شرکت در جنگ."

شارلمانی تأییدکنان گفت: "اهالی بروتانی مردمان شجاعی هستند اصیل زاده!" بعد توک توک، توک توک، اسبش رامی راند جلو فرمانده اسکادران بعدی.

بازی از سر گرفته می شد:

- خب بینم، کی هستید اصیل زاده دلاور فرانسوی؟

به محض این که نقاب کلاهخود بالا می رفت، لب هایی که پشت آن نمایان می شد این کلمات را ادا می کرد: "اولیویه دو وین^۳، اعلیحضرتا" و

1. Salomon de Bretagne

۲. باید توجه داشت که کلاهخودها در آن زمان تمام سر و صورت را می پوشاند، فقط دو سوراخ مقابل چشم ها و شکافی جلو دهان باز بود. بخشی که صورت را می پوشاند متحرک بود و سپاهی می توانست آن را بالا بزند و یا پایین بیاورد. - م.

3. Olivier de Vienne

در پای حصار سرخ فام پاریس، ارتش فرانسه استقرار یافته بود: قرار بود شارلمانی^۱ از اصیل زادگان دلاور^۲ سان ببیند. آن ها درست از سه ساعت پیش در هوای دم کرده و کمی ابری بعد از ظهر یک روز آغاز تابستان انتظار آمدن او را داشتند. افراد در زره های رزمی شان، انگارتوی دیگری که روی آتش ملایمی گذاشته شده باشد، در حال پختن بودند. شاید هم در این صف تزلزل ناپذیر شوالیه ها، یکی از آن ها تا به حال بیهوش شده و یا خیلی ساده به خواب رفته بود: ولی به هر حال زره پولادین شان همه آن ها را به یک حالت روی زین اسب هاشان شق و رق نگه داشته بود. ناگهان صدای شیپور سه بار در هوای ساکن طنین انداخت. پره های کلاهخودها، انگار در معرض وزش بادی که از درزی به بیرون دمیده قرار گرفته باشد به حرکت درآمد. صدایی شبیه زمزمه امواج دریا که تا آن موقع شنیده می شد ناگهان قطع شد. البته این زمزمه چیزی نبود جز صدای خرویف بعضی از جنگجویان که شکاف فلزی کلاهخودشان آن را خفیف می کرد. سرانجام

1. Charlemagne

۲. این معادل را در فارسی برابر واژه paladin در فرانسه آورده ام که منظور اصیل زادگان صاحب ملک و نیول است که همراه با شارلمانی در جنگ های صلیبی شرکت کرده اند. - م.